

متن پرسش

سلام بر استاد بزرگوار: سوالاتی را می خواستم به عرضتان برسانم: ۱. اینکه آیا میل به فساد جزء فطرت آدمی است؟ (چنان چه دکتر سروش در کتاب حکمت و معیشت دفتر اول با استفاده از آیه و روایت و عقل و تاریخ دست به اثبات آن می زند و منافاتش را با اختیار بر طرف می کنند و فلسفه صبر نبی بر مصایب را به علت دانستن این سرشت معرفی می کنند تا به اینجا رسند که این صفات که حضرت در ابتدای نامه بیان می دارند جز سرشت آدمی است و به هستی شناسی وا دارد) ۲. اگر می شود این تاجر غرور را توضیح دهید و در کتاب خود به آن صورت توضیح نداده اید. ۳. اینکه افرادی از طریق علمی به عمر انسان خبر دهند حقیقت دارد و حتمی الوقوع است و از راه دعا نمی توان جلو آن را گرفت؟ ۴. برای سیر مطالعاتی ابتدا سیر خودتان را مطالعه کنیم یا شهید مطهری؟ ۵. برای مطالعه بیش تر در نامه ۳۱ چه کتابی پیش نهاد می کنید (لطفاً اگر می شود توضیح بیشتری در کتابتان بر مقدمه نامه ۳۱ بزنید و حق مطلب بیان نشده) ۶. برای فلسفه چه سیری پیشنهاد می کنید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: میل به فسادکردن مربوط به طبع آدمی است و نه فطرت او، و لذا وقتی انسان در متن طبع خود قرار داشته باشد آن مشکلات که حضرت مولا علی «علیه السلام» می فرمایند روی می دهد. _ پیشگویی ها اولاً معلوم نیست درست باشد، ثانیاً از طریق دعا و صدقه و صلهی رحم عمر انسان حتی اگر مقدر هم شده باشد تغییر می کند _ بعد از ده نکته و آشتی با خدا، مطالعهی کتاب های مرحوم شهید مطهری کمک زیادی به شما برای رجوع به حقیقت می کند. _ مباحث صوتی «یابن جندب» که شرح روایت حضرت صادق «علیه السلام» به یکی از اصحاب آن حضرت است، کمک کار خوبی است. موفق باشید